

علل افزایش سن ازدواج دختران*

کرم حبیب‌پور گتایی**، غلامرضا غفاری***

چکیده: گذار جامعه ایرانی از نظم سنتی به مدرن و تجربه حیات ملازم با آن، فزونی سن ازدواج دختران را موجب گشته است. بررسی علل افزایش سن ازدواج دختران، موضوعی است که مورد تدقیق معرفتی و روشی این نوشتار قرار گرفته است. در این تحقیق، از روش پیمایشی استفاده شده و جامعه آماری آن را دو گروه، شامل دختران مجرد و زنان متأهل ۲۵ تا ۴۴ ساله ساکن در مراکز شهری کشور تشکیل داده‌اند. حجم نمونه برابر با ۱۲۹۱ نفر از این دختران در ۵ مرکز شهر تهران، ساری، خرم‌آباد، مشهد و سنجند بوده است. نتایج نشان داد دخترانی که دیرتر ازدواج می‌کنند، از تحصیلات بالاتری برخوردارند، نگرش فرامادی به ازدواج دارند و اعتقاد بیش‌تری دارند که با ازدواج، هزینه فرصت‌های ازدست‌رفته بیش از فرصت ازدواج است. دلالت نتایج بر آن است که همراه با تجربه مدرنیته در سطوح کلان، میانی و خرد، چنان‌چه این تجربه بدون سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب حاصل گردد و از طرفی شرایط جامعه چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ اجتماعی - فرهنگی آمادگی پذیرش چنین تحولاتی را نداشته باشد، تبعات منفی آن بیش از دستاوردهای مثبت آن خواهد بود.

واژگان کلیدی: سن ازدواج، نگرش فرامادی، برابری جنسیتی، ازدواج ترتیب‌داده‌شده و خودانتخابی.

مقدمه و طرح مسئله

مسئله ازدواج و زناشویی از جمله مسائل مهم حیات بشر در طول تاریخ بوده و هست. به همین خاطر، این مسئله، علاوه بر ادیان و مذاهب، مورد توجه حوزه‌های علمی مختلف چون جامعه‌شناسی، حقوق، اقتصاد، روانشناسی، فلسفه و... بوده است. از این رو، با اهتمام به اهمیت خانواده به‌عنوان یکی از نهادهای مهم جامعه، در صورت هرگونه تغییر و تحول در جامعه، بالطبع تغییراتی در این نهاد نیز ایجاد خواهد شد. افزایش سن ازدواج دختران و

* مقاله حاضر برگرفته از طرحی با عنوان «بررسی آثار و علل بالارفتن سن ازدواج دختران و پیامدهای تجرد قطعی برای آنان» است که به پیشنهاد و حمایت مالی دفتر امور زنان و خانواده ریاست جمهوری انجام شده است.

** مربی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران
karamhabibpour@yahoo.com

*** دانشیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران
ghaffary@ut.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۰۸/۰۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۰۸/۲۳

بروز پدیده تجرد قطعی در بین آنان، از زمره این تحولات است که در نتیجه تغییرات کلان در سطح جامعه حادث شده است. پدیده افزایش سن ازدواج نه فقط در ایران، بلکه حتی در کشورهای توسعه یافته فراصنعتی مانند ایالات متحده آمریکا نیز مشاهده می‌شود، به طوری که براساس نتایج مطالعات موجود، سن ازدواج در این کشور از اواسط دهه ۱۹۶۰ به طرز برجسته‌ای در بین جمعیت آن افزایش یافته است (لوگران و زیسیمپولوس^۱، ۲۰۰۴: ۲). بدین صورت که نسبت افراد ازدواج کرده در این کشور در سال ۱۹۶۰ برابر با ۷۸ درصد بود که در سال ۲۰۰۰ به ۵۲ درصد و در سال ۲۰۰۵ به کم‌تر از ۵۰ درصد کاهش یافت (کوئتز^۲، ۲۰۰۶: ۱).

زمان ازدواج و تشکیل خانواده از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرد. توسعه و نوسازی در دنیای جدید با تغییر سریع و قابل توجه شرایط اقتصادی و اجتماعی افراد، تغییر در زمان ازدواج و تأخیر آن به زمان‌های دورتر را موجب شده است. فروپاشی نظام‌های خانوادگی گسترده، جایگزینی اقتصاد تجاری و صنعتی به جای اقتصاد کشاورزی سنتی، پیچیده‌تر شدن تقسیم کار اجتماعی، گسترش تحصیلات همگانی و مشارکت بیش‌تر زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خارج از خانه، عواملی هستند که در تأخیر ازدواج نقش دارند (محمودیان، ۱۳۸۳: ۴۸).

افزایش نرخ رشد جمعیت نیز از جمله مؤلفه‌هایی است که به نوبه خود به افزایش سن ازدواج و بروز پدیده تجرد قطعی دامن زده است. بنا بر آمار موجود، نرخ رشد جمعیت در ایران طی سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۵ در حدود ۳/۹ درصد بوده است. پس از آن نرخ رشد جمعیت در ایران کاهش یافته و تا سال ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ به ۲/۵ درصد، و بین سال‌های ۱۳۷۰ به ۱/۵ درصد رسیده است. این تغییرات قابل توجه در نرخ رشد جمعیت به وضوح در شکل هرم جمعیت ایران نیز دیده می‌شود، به طوری که تا سال ۱۳۶۵ قاعده هرم جمعیتی به طور مدام بزرگ‌تر شده و پس از آن کوچک می‌شود. ضمن آن‌که در چنین شرایطی، میانگین سن مردان در اولین ازدواج بیش از زنان است (جعفری مذهبی و قندی، ۱۳۸۲: ۱).

از طرفی، نباید از نظر دور داشت که پدیده افزایش سن ازدواج و در ادامه بروز تجرد قطعی باعث اختلال در کارکرد طبیعی نهاد خانواده شده و به دنبال این امر به طور طبیعی شاهد وجود نابسامانی‌هایی در سطح جامعه هستیم، نابسامانی‌هایی چون شیوع انواع فسادهای اجتماعی، بحران میل جنسی، فرار دختران و...

1. Loughran and Zissimopoulos
2. Coontz

علل افزایش سن ازدواج دختران ۹

با عنایت به مسئله افزایش سن ازدواج دختران در جامعه و بروز پدیده مجرد قطعی، تحقیق حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال می‌باشد که چه عواملی باعث افزایش سن ازدواج در بین دختران شده و در این بین، سهم کدام‌یک بیش‌تر از بقیه می‌باشد؟

پیشینه تجربی موضوع

ادبیات متعدد داخلی و خارجی از زاویه‌ای خاص به بررسی افزایش سن ازدواج دختران و علل آن پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه، از میان مطالعات داخلی، پهنام (۱۳۴۸: ۱۵۷-۱۲۹) تغییرات اقتصادی و اجتماعی مانند سنگینی جهیزیه و مخارج جشن ازدواج، انتشار تعلیمات متوسطه و عالی، محرومیت گذشته زنان از استقلال اجتماعی و اقتصادی، تغییر شیوه انتخاب همسر از والدین به دختران، مرکز پژوهش‌های بنیادی (۱۳۷۲) عوامل اجتماعی و فرهنگی مانند آموزش و آگاهی، تغییر اهداف ازدواج و تغییر معیارهای انتخاب همسر، استانداری یزد (۱۳۷۵) تهیه جهیزیه، وضعیت ظاهری و مهریه، سیدفاطمی (۱۳۷۶) عدم امکان شناخت قبل از ازدواج و موانع تحصیلی (آبرخت، ۱۳۸۴)، اصلانی و همکاران (۱۳۷۷) باورهای غلط خانواده‌ها، مسائل اقتصادی، بالابودن توقعات جامعه از جوانان و عدم امکان آشنایی قبل از ازدواج، عزیزی (۱۳۷۷) و تهرانی (سلطان‌پور، ۱۳۷۹: ۱۲) تحصیلات، یعقوبی چوبری (۱۳۷۸) فقدان همسر دلخواه و مرددبودن در تصمیم‌گیری، ربانی و سارانی (۱۳۸۰) تحصیلات، تورم اقتصادی، بالابودن هزینه ازدواج و مهریه زیاد، صیفوری طغراجردی (۱۳۸۲) نوع خانواده و منبع تصمیم‌گیری راجع به ازدواج، محمودیان (۱۳۸۳) تحصیلات، شهرنشینی، مشارکت زنان در نیروی کار، ازدواج‌های آزادتر و برابری بیش‌تر جنسیتی و نیک‌منش و کاظمی (۱۳۸۳) نیافتن فرد مورد علاقه و ادامه تحصیل را مهم‌ترین دلائلی دانسته‌اند که موجب تأخیر ازدواج در بین دختران می‌شوند.

مطالعات خارجی مختلف نیز به نتایجی درخصوص عوامل بر تغییر سن ازدواج دختران دست یازیدند که به نوبه خود سهم مهم و حتی بسیار بیش‌تری از مطالعات داخلی در پیش‌برد معرفتی و روشی این تحقیق داشته‌اند. به عنوان مثال، گارینو^۳ (۱۹۹۲) به تأثیر افزایش طلاق در جامعه (آبرخت، ۱۳۸۴)، برودرل^۴ (۱۹۹۷) به تأثیر نهاد آموزشی (در حین تحصیل) و سرمایه انسانی (اتمام تحصیلات عالی)، ونگ^۵ (۲۰۰۳) سرمایه

3. Guarino

4. Brüderl

5. Wong

۱۰ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰

انسانی و زمینه‌های اجتماعی و خانوادگی، تزویاً^۶ (کالول^۷، ۲۰۰۵: ۳-۲) و هیول^۸ (مینش و همکاران^۹، ۲۰۰۵: ۱۵) تغییر مرکز ثقل فرآیند تصمیم‌گیری و انتخاب راجع به همسر از والدین (ازدواج ترتیب‌داده‌شده) به خود فرزندان (ازدواج خودانتخابی)، کانستنس شل^{۱۰} (۱۹۹۶؛ به نقل از أبرخت، ۱۳۸۴)، هامپلوا^{۱۱} (۲۰۰۳) و راکوم نایکیت^{۱۲} (۲۰۰۳؛ به نقل از نوبل و باتنهایم^{۱۳}، ۲۰۰۶: ۸) به تأثیر شرایط اقتصادی حاد و بحرانی، لوگران و زیسیموپولوس (۲۰۰۴: ۲) و کالول (۲۰۰۵) تغییرات اقتصادی به‌خصوص در حوزه بازار نیروی کار و توسعه شغلی، بازتاب بافت فرهنگی و تغییرات اقتصادی و اجتماعی، راونرا و راجالتون^{۱۴} (۲۰۰۵) استقلال اقتصادی، ورود به دوره شغلی و به‌هم‌وابستگی اقتصادی، میترا^{۱۵} (۲۰۰۴)، مینش (۲۰۰۵) و پنگ^{۱۶} (۲۰۰۶) به تأثیر تحصیلات بر افزایش سن ازدواج در بین دختران اشاره کرده‌اند.

مبانی نظری

نظریه‌های اقتصادی

نظریه‌های اقتصادی درباب سن ازدواج و تأخیر آن را می‌توان به عنوان نظریه‌های انتخاب عقلانی اطلاق کرد که سعی دارند با تکیه بر مدل‌های اقتصاد خرد کاربردی، به تبیین دلایل تعویق و تأخیر ازدواج در بین مردان و به‌خصوص زنان پردازند (فریدمن و همکاران^{۱۷}، ۱۹۹۴). این گروه از صاحب‌نظران، دگرگونی در رفتار خانواده را به کمک عوامل اقتصادی و نهادی تبیین کرده و در وهله نخست بر تغییراتی تأکید می‌نمایند که در بازار کار رخ داده‌اند. این نظریه‌ها بر این فرض پایه‌اند که رفتار انسانی هدف‌محور بوده و افراد، آن نوع استراتژی‌های رفتاری را بروز می‌دهند که آن‌ها را به سمت نیل به این هدف هدایت می‌کنند. نظریه‌های انتخاب عقلانی بیش‌تر به تحلیل وابستگی بین تحصیلات و تشکیل خانواده می‌پردازند.

6. Tsuya

7. Caldwell

8. Hull

9. Mensch and et al.

10. Canstancel Shel

11. Hamplova

12. Rukumnuaykit

13. Nobles and Buttenheim

14. Ravanera and Rajulton

15. Mitra

16. Peng

17. Friedman and et al.

علل افزایش سن ازدواج دختران ۱۱

این نظریه‌ها پایه خود را بیش‌تر بر این ایده می‌گذارند که منبع نهادی یک جامعه بر رفتار تأثیر می‌گذارد (خصوصاً در سطح کلان ساختاری)، زیرا این منبع محرک‌هایی را برای برانگیختن رفتار تعریف می‌کند (کلمن و فارارو^{۱۸}، ۲۰۰۳: ۶). در یک چارچوب انتخاب، بافت و شرایط تعیین می‌کند که فرد تا چه اندازه در تعیین اولویت‌هایش و به همین سیاق تخصیص زمان و انرژی مخیر است. به عبارتی، این بافت و شرایط گزینه‌هایی را تعریف می‌کند که فرد می‌تواند از بین آن‌ها دست به‌گزینش بزند (ویلکنز^{۱۹}، ۱۹۸۹). در مجموع، نظریه‌های انتخاب عقلانی، نوعی نظریه هزینه - فایده است که در تحلیل‌های اقتصاد خرد کاربردی برای تحلیل ازدواج به کار می‌روند (گروسبارد-شچمن^{۲۰}، ۲۰۰۳: ۱۵).

مهم‌ترین نظریه‌های اقتصادی که تبیین‌هایی درخصوص افزایش سن ازدواج ارائه داده‌اند، عبارت می‌باشند از: نظریه هزینه فرصت^{۲۱} (فانچ^{۲۲}، ۱۹۹۴: ۱۹۲-۱۸۳)، نظریه بیشینه‌سازی سود‌گری بکر^{۲۳} (۱۹۹۶؛ هیل و همکاران^{۲۴}، ۱۹۹۳؛ ماتوسچک و رسول^{۲۵}، ۲۰۰۶: ۲؛ هو و سیو^{۲۶}، ۲۰۰۶: ۲؛ روزینا و فرابونی^{۲۷}، ۲۰۰۴: ۵)، فرضیه جذابیت اوپنهایمر^{۲۸} (۱۹۹۸: ۵۸۳؛ برودرل، ۱۹۹۷) و انگاره اروپایی هاجنال^{۲۹} (منش و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۷).

نظریه‌های جامعه‌شناختی

نظریه‌های جامعه‌شناسی، به عنوان نظریه‌های هنجاری، در تحلیل افزایش سن ازدواج، به تبیین تغییرات حاصله در خانواده در زمینه ارزش‌ها، خواسته‌ها و انتظارات می‌پردازند. نظریه‌پردازان این دسته از نظریه‌ها در تحلیل خود در زمینه تحول سن ازدواج بر سکولاریزاسیون، فردگرایی، اهمیت روبه‌رشد استقلال و خودمختاری و ایدئولوژی‌های جدید در رابطه با نقش‌های جنسیتی تأکید دارند. این دسته از نظریه‌پردازان در عین حال که به تأثیر عوامل ساختاری و اقتصادی واقفند و آن را به‌اهمال نمی‌گیرند، بیش‌تر بر این فرض‌اند که نوسازی،

18. Coleman and Fararo

19. Willekens

20. Grossbard-Shechtman

21. Opportunity cost

22. Fuchs

23. Gary S. Becker

24. Hill and et al.

25. Matouschek and Rasul

26. Hoo and Siow

27. Rosina and Fraboni

28. Oppenheimer

29. Hajnal

۱۲ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰

تغییرات فناوری و توسعه شرایط اجتماعی موجب بروز تغییراتی در ارزش‌ها و ترجیحات شده‌اند که در نهایت تمامی آن‌ها تغییر در رفتار فرد را در پی داشته‌اند. همچنین، صاحب‌نظران نظریه‌های هنجاری درخصوص افزایش سن ازدواج بر این باورند که پخش ارزش‌ها (اعم از مدرن، پست‌مدرن و فرامادی‌گرایی) به‌گونه‌ای با پیشرفت تحصیلی ارتباط دارد (فریدمن و همکاران، ۱۹۹۴).

مهم‌ترین نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی که در بررسی افزایش سن ازدواج، مؤلفه‌ها و فاکتورهای جامعه‌شناختی را لحاظ کرده‌اند، عبارت می‌باشند از: نظریه ارزش‌های فرامادی‌گرایی اینگلهارت^{۳۰} (۱۳۸۲: ۵۹؛ فریدمن و همکاران، ۱۹۹۴)، نظریه قابلیت دسترسی، امکان‌پذیری و مطلوبیت ازدواج دیکسون^{۳۱} (۱۹۷۱؛ لاندال و تولنای^{۳۲}، ۱۹۹۱؛ مین^{۳۳}، ۱۹۹۷: ۳-۴)، نظریه سرمایه انسانی انگلند، فارکاس و اوپنهایمر^{۳۴} (انگلند و فارکاس، ۱۹۸۶؛ بلوسفلد و هامرل^{۳۵}، ۱۹۹۲؛ باتنهایم^{۳۶}، ۲۰۰۶: ۶)، نظریه نوسازی ویلیام گود^{۳۷} (مین، ۱۹۹۷: ۲)، نظریه نوسازی نگوین هو مین^{۳۸} (آستین‌فشان، ۱۳۸۰)، نظریه مک دونالد و هیوول^{۳۹} (آستین‌فشان، ۱۳۸۰).

نظریه‌های جمعیت‌شناختی

در میان نظریه‌های جمعیت‌شناسی مرتبط با ازدواج، نظریه گذار جمعیتی دوم^{۴۰} مهم‌ترین نظریه می‌باشد. نظریه گذار جمعیتی دوم بر تأثیر هماهنگ عوامل اقتصادی و اجتماعی (به‌ویژه تضعیف کنترل هنجاری و افزایش استقلال اقتصادی زنان)، فرهنگی (سکولاریزاسیون) و فناوری مدرن (جلوگیری از حاملگی) بر افزایش سن ازدواج تأکید دارد. این عوامل، در کنار همدیگر، ترجیحات و سلیقه افراد را به سمت فردگرایی، آزادی و استقلال تغییر داده و در نتیجه باعث کاهش سن ازدواج شده‌اند. بنابراین، طبق

³⁰. Ronald Inglehart

³¹. Dixon

³². Landale & Tolnay

³³. Minh

³⁴. England, Farkas and Oppenheimer

³⁵. Blossfeld & Hamerle

³⁶. Buttenheim

³⁷. William Good

³⁸. Nguyen Huu Minh

³⁹. Mc Donald and Hull

⁴⁰. Second Demographic Transition=SDT

علل افزایش سن ازدواج دختران ۱۳

نظریه گذار جمعیتی دوم، افزایش تصاعدی در خودمختاری فردی در زمینه‌های اخلاقی، مذهبی و سیاسی، اساس تغییرات صورت گرفته در تشکیل خانواده است. سکولاریسم، جنبش‌های رهایی‌بخش، گسترش ارزش‌های فرامادی‌گرایی (نظیر توسعه شخصی و خودشکوفایی)، تردید نسبت به نهادها و افزایش بی‌تابی نسبت به دخالت افراد بیرونی در زندگی شخصی (از هر نوع منبع اقتدار) جزء جنبه‌های مختلف تحول در ارزش‌ها هستند که به نوبه خود باعث شده‌اند تا فرد برطبق اراده آزاد خود برای زندگی‌اش تصمیم بگیرد. بنابراین، کاهش ازدواج و افزایش جایگزین‌هایی مانند هم‌خانگی را می‌توان نمود نگرش غیرهمنوا و اعتراض علیه منابع اقتدار و همچنین شیوه‌ای برای آشکارسازی آزادی فردی در مقابل قراردادهای عرف دانست. بنابراین، پیش‌قراولان این رفتار جدید، عموماً افراد تحصیل‌کرده‌تر، سکولارتر و خودمختارتر و در نتیجه کسانی هستند که برای روابط عاطفی‌شان، خواستار فراهم‌بودن حداقل شرایط لازم زندگی هستند. از طرفی، هرچه محدودیت کم‌تری برای نسل‌های جوان‌تر وجود داشته باشد، آن‌ها نسبت به پذیرش رفتارهایی که به قبول تعهد و مسئولیت ختم می‌شود، بی‌خیال‌تر می‌شوند. از این رو، آن‌ها گرایش دارند از آن دسته انتخاب‌هایی که امکان بازگشت در مورد آن‌ها وجود ندارد و یا خیلی الزام‌آورند، اجتناب کنند (روزینا و فرابونی، ۲۰۰۴: ۶-۵).

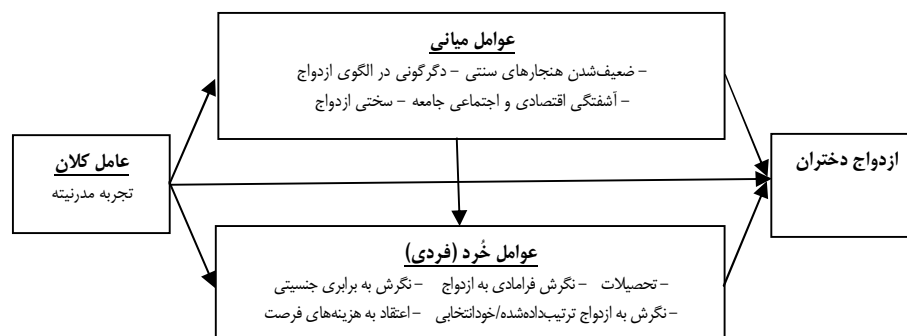
نظریه نوسازی

نظریه نوسازی^{۴۱} به عنوان آخرین دسته از نظریه‌های مورد استفاده در این تحقیق بر این باور است که گذار جوامع از نظم سنتی به نظم مدرن باعث تغییراتی در سطوح مختلف کلان، میانی و خرد و در بین تمامی گروه‌ها شده که این تغییرات به نوبه خود موجب دگرگونی در ارزش‌ها، انتظارات، خواسته‌ها و... خواهند شد (اینگلهارت، ۱۳۷۷: ۳؛ ازکیا، ۱۳۷۴: ۲۶). مفروض اصلی تحقیق حاضر نیز بر این است که ریشه اصلی و علت‌العلل تمامی ریشه‌های ثانوی تأثیرگذار بر افزایش سن ازدواج، موضوع تجربه مدرنیته و نوسازی جامعه ایرانی می‌باشد که البته چنین موضوعی به نوعی آشکارا و تلویحی در بین نظریه‌های قبلی اقتصادی، اجتماعی و جمعیت‌شناسی نیز ادعان شده است.

41. Modernization

چارچوب نظری تحقیق

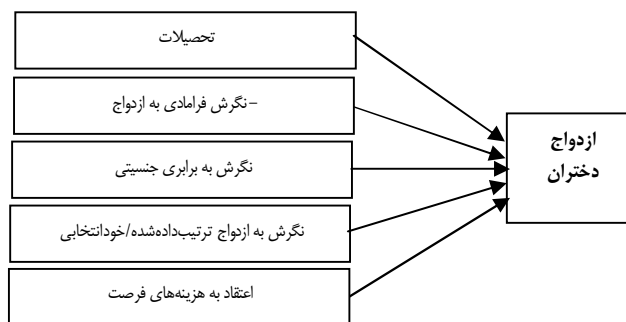
به دلیل خصلت چندبعدی پدیده‌های اجتماعی و انسانی، و تکثر نظریه‌های متعدد در خصوص زوایای گوناگون ازدواج دختران، سعی گردید از طریق گزینش تلفیقی بهینه از نظریه‌های مرتبط و مقتضی، به شناخت و تبیین بهتری از دلایل افزایش سن ازدواج دختران و همچنین پیامدهای بروز پدیده‌ی تجرد قطعی برای آنان دست یابد. از همین روی، چارچوب نظری انتخابی این تحقیق، تلفیقی از بررسی ادبیات نظری و تجربی تحقیق بوده است. بدین معنی که در این تحقیق، نظریه‌های اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و نوسازی با توجه به متغیرهای اصلی آن‌ها جهت هدایت نظری تحقیق انتخاب شده و سایر مراحل تحقیق براساس این رویکردها پی‌گرفته شده‌اند. مدل زیر ساخت روابط بین متغیرهای تأثیرگذار بر سن ازدواج را براساس کلید متغیرهای این نظریه‌ها نشان می‌دهد. در این تحقیق، سعی گردید تا این مدل نظری مورد آزمون عملیاتی قرار گرفته و صحت و سقم ارتباط متغیرهای مستقل با ازدواج دختران آزمون شود. البته در آزمون این مدل، از آن‌جا که تعداد متغیرهای مطرح‌شده در سه حوزه کلان، میانی و خرد بسیار زیاد می‌باشند و در نتیجه امکان سنجش تمامی آن‌ها در یک تحقیق عملی نمی‌باشد و از دقت سنجش کاسته می‌شود. از این رو، در تحقیق حاضر، حدود و ثغور تحقیق را به عوامل خرد معطوف نموده و سعی گردید متغیرهای فردی به‌صورت دقیق سنجیده شده و نوع و جهت روابط آن‌ها با متغیر وابسته تحقیق (ازدواج دختران) آزمون گردد (شکل ۲). البته برای تحلیل متغیرهای سطوح میانی و کلان، از دستاوردهای نظری تحقیق استفاده شده است (شکل ۱).



شکل (۱): مدل نظری کلان تحقیق

علل افزایش سن ازدواج دختران ۱۵

شکل شماره (۲) مدل نظری خرد تحقیق که در آن به بررسی تأثیر متغیرهای فردی بر ازدواج دختران پرداخته شده، نشان می‌دهد. بنابراین، هدف تحقیق، آزمون تجربی این مدل است.



شکل (۲): مدل نظری خرد تحقیق

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین تحصیلات دختران و وضعیت تأهل آنان رابطه وجود دارد.
- ۲- بین نگرش فرامادی دختران نسبت به ازدواج و وضعیت تأهل آنان رابطه وجود دارد.
- ۳- بین نگرش دختران به برابری جنسیتی و وضعیت تأهل آنان رابطه وجود دارد.
- ۴- بین نگرش دختران به ازدواج ترتیب‌داده‌شده یا خودانتخابی (کانون تصمیم‌گیری در مورد انتخاب همسر) و وضعیت تأهل آنان رابطه وجود دارد.
- ۵- بین اعتقاد دختران به افزایش هزینه‌های فرصت در نتیجه ازدواج و وضعیت تأهل آنان رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

جامعه آماری، نمونه آماری و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق شامل زنان ۲۵ تا ۴۴ ساله ساکن در مراکز شهری استان‌های کشور بوده است که شمار آن‌ها به ۷۶۵۸۳۷۹ نفر می‌رسد. انتخاب این گروه سنی به‌عنوان جامعه آماری بدین خاطر بوده است که براساس گزارش مرکز آمار ایران، سن ۲۵ سالگی، میانگین سن ازدواج دختران در کشور بوده و سن ۴۴ سالگی نیز سن پیش از مجرد قطعی (۴۵ سال) است که نگارندگان با عنوان "سن مجرد احتمالی" و به‌عبارتی "سن مجرد پیش‌قطعی" از آن یاد می‌کنند و بنابراین گذار از این دوره سنی، زمینه افزایش سن ازدواج و ورود به دوره مجرد قطعی را تشدید می‌کند.

برای انتخاب حجم نمونه، از فرمول کوکران استفاده شده که حجم نمونه برابر با ۱۲۹۱ نفر محاسبه شده است. همچنین، برای انتخاب نمونه از این گروه، ابتدا استان‌های مختلف برحسب ضریب شاخص توسعه انسانی تعدیل یافته براساس جنسیت به ۵ طبقه تقسیم شده^{۴۲} و سپس با توجه به موقعیت جغرافیایی، شرایط اقتصادی، اجتماعی و وضعیت اقلیمی استان‌ها، ۵ استان تهران، مازندران، خراسان رضوی، لرستان و کردستان انتخاب شدند. در ادامه، براساس روش نمونه‌گیری مطابق متناسب، تعداد نمونه در استان‌های انتخابی برحسب جمعیت زنان گروه سنی ۲۵ تا ۴۴ ساله محاسبه گردید. در نهایت نیز، مراکز شهری هر ۵ استان براساس ملاک جغرافیایی، به ۳ منطقه جغرافیایی تقسیم شده، و سپس براساس روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، با انتخاب چند بلوک در نقاط مختلف شهر، واحدهای آماری انتخاب و مورد پرسش قرار گرفتند.

جدول (۱): توزیع استان‌های کشور برحسب شاخص توسعه انسانی تعدیل یافته

طبقه	نام استان	ضریب شاخص توسعه انسانی	حجم جامعه آماری	حجم نمونه اولیه	حجم نمونه تعدیل یافته
بالای بالا	گیلان، یزد، اصفهان، تهران	۰/۶۱۰ - ۰/۶۴۶	۲/۰۸۱/۲۲۱	۸۳۶	۵۳۶
بالا	فارس، سمنان، مازندران، چهار محال و بختیاری، مرکزی، کرمان	۰/۵۸۴ - ۰/۵۶۲	۲۵۷/۸۶۱	۱۰۳	۲۰۳
متوسط	قم، خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، کرمانشاه، ایلام، خوزستان	۰/۵۵۵ - ۰/۵۱۵	۵۸۶/۴۱۰	۲۳۶	۲۳۶
پائین	اردبیل، بوشهر، لرستان، همدان، کهگیلویه و بویراحمد، زنجان	۰/۵۱۰ - ۰/۴۹۰	۱۵۶/۸۵۴	۶۳	۱۶۳
پائین پائین	هرمزگان، آذربایجان غربی، کردستان، سیستان و بلوچستان	۰/۴۸۶ - ۰/۳۹۳	۱۳۱/۶۰۲	۵۳	۱۵۳
-	جمع کل مناطق	-	-	۱۲۹۱	۱۲۹۱

توجه: تعداد جمعیت استان‌ها براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ و تعداد و اسامی استان‌ها براساس سرشماری سال ۱۳۷۵ می‌باشد.

^{۴۲} به‌زعم نگارندگان و مفروضه اصلی تحقیق مبنی بر نقش مدرنیته و توسعه به‌خصوص شاخص‌های انسانی آن در افزایش سن ازدواج، انتخاب شاخص توسعه انسانی دلیل مناسبی برای طبقه‌بندی استان‌ها می‌باشد. همچنین، با عنایت به تمرکز موضوع تحقیق بر افزایش سن ازدواج دختران، برای دقت بهتر طبقه‌بندی، از شاخص توسعه انسانی تعدیل یافته براساس جنسیت استفاده شده است.

علل افزایش سن ازدواج دختران ۱۷

تعریف مفاهیم و متغیرها

- **ازدواج دختران:** متغیر وابسته این تحقیق، وضعیت ازدواج دختران می باشد که در مقیاس اسمی با دو طبقه متأهل (با کد ۱) و مجرد (با کد ۲) مورد سنجش قرار گرفته است. بدین معنی که از طریق طبقه بندی زنان در دو گروه متأهل و مجرد و براساس پیش بینی کننده های تحقیق، به بررسی عوامل مؤثر بر بالا رفتن سن ازدواج در بین دختران پرداخته شده است.

- **تحصیلات:** مجموعه سال های آموزشی رسمی است که یک فرد در طی دوره های آموزشی ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و دانشگاهی می گذراند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). در این تحقیق، تحصیلات پاسخ گویان در قالب مقیاس فاصله ای و از طریق تعداد سال های تحصیل مورد سنجش قرار گرفته است.

- **نگرش فرامادی به ازدواج:** این مفهوم برگرفته از مفاهیم مادی گرایی/فرامادی گرایی^{۴۳} اینگلهارت است. اینگلهارت ارزش های مادی گرایی را شامل رفاه فیزیکی و نیل به امنیت و ارزش های فرامادی گرایی را ناظر بر کیفیت زندگی می داند (اینگلهارت، ۱۳۸۲: مقدمه). در این تحقیق، نگرش فرامادی به ازدواج از طریق ۵ گویه در قالب طیف لیکرت سنجیده شده است: ۱- ازدواج هم مثل سایر مراحل زندگی است و فرقی با آن ها ندارد. ۲- بالاخره باید یک روزی ازدواج کرد. ۳- آدم تا موقعی که عاشق طرف مقابل خود نشده، نباید با او ازدواج کند. ۴- باید کسی را برای ازدواج انتخاب کرد که بتوان با او به کمال رسید. ۵- ازدواج موضوع مهمی است و نباید آن را دست کم گرفت.

- **نگرش به برابری جنسیتی:** در این تحقیق، نگرش به برابری جنسیتی در قالب مفهوم باورهای جنسیتی جانت سالزمن چافز^{۴۴} تعریف شده است. چافز در نظریه برابری جنسیتی خود اشاره می کند که باورها یا ایدئولوژی جنسیتی مربوط به تفاوت های پایه و زیست شناختی در ماهیت مردان و زنان می باشد (ترنر^{۴۵}، ۲۰۰۳: ۱۸۸). نگرش پاسخ گویان به برابری جنسیتی در ۸ زمینه شامل آموزش و تحصیلات، اشتغال، فعالیت های سیاسی، داشتن پست های مدیریتی، تصمیم گیری در امور محلی و ملی، انتخاب همسر، انجام امور خانه، و تربیت فرزندان و در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است که براساس

⁴³. Materialism and Postmaterialism

⁴⁴. Janet Saltzman Chafetz

⁴⁵. Turner

مجموع این ۸ گویه، نمرات بیش تر شاخص نشان از نگرش مثبت تر دختران به برابری جنسیتی و نمرات کم تر دلالت بر نگرش کم تر مثبت آنان به برابری جنسیتی دارد.

– نگرش به ازدواج ترتیب داده شده/خودانتخابی: اشاره به مرکز ثقل انتخاب ازدواج دارد که می تواند در سه شکل ترتیب داده شده (خانواده فرد)، خود فرد (خودانتخابی) و هر دو به طور مشترک اتفاق افتد. برای سنجش این متغیر، در قالب یک مقیاس اسمی از پاسخ گویان خواسته شد تا نظر خود را راجع به مهم ترین مرجع تصمیم گیری پیرامون انتخاب همسر در سه گزینه خانواده ها، خود دو طرف، و خانواده ها و دو طرف به طور مشترک اعلام نمایند.

– اعتقاد به هزینه فرصت: هزینه فرصت به معنای فراغت یا هزینه ای است که در نتیجه صرف نظر از انجام کاری، متوجه فرد می شود. یعنی شخص با انجام یک کار، ترجیح داده است تا از کار یا مزیت کار دیگر صرف نظر نماید. براساس نظریه نئوکلاسیک ها، چون فرد کنش گر همواره درصدد است تا منفعت خود را به حداکثر برساند، بنابراین به دنبال آن است تا حد ممکن هزینه فرصت خود را به صفر برساند (فانچ^{۴۶}، ۱۹۹۴: ۱۹۲-۱۸۳). در این تحقیق، هزینه فرصت از طریق ۳ گویه با مقیاس ترتیبی سنجیده شده است: ۱- آدم با ازدواج کردن، بسیاری از فرصت هایی را که می تواند بدست بیاورد، از دست می دهد، مانند موفقیت بیش تر در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و شغلی. ۲- کاش آدم می توانست تا آخر عمر ازدواج نکند و مجرد بماند. ۳- ازدواج بیش تر به ضرر آدم تمام می شود تا سود او.

روایی و پایایی ابزار اندازه گیری

در این تحقیق، سنجش میزان روایی^{۴۷} ابزار اندازه گیری از طریق روش اعتبار محتوا (اعتبار صوری) انجام گرفته است. بدین معنی که در این روش، پرسشنامه پس از تدوین اولیه با ناظر محترم طرح و تنی چند از کارشناسان و محققان موضوعی در میان گذاشته شد و سپس پس از باز خورد و اعمال نظرات آنان در پرسشنامه و جرح و اصلاح آن، قابلیت اعتبار پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفت.

همچنین، برای سنجش میزان پایایی^{۴۸} ابزار اندازه گیری (دال بر تکرار پذیری و تعمیم پذیری پرسشنامه) از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. بدین طریق که ابتدا ۳۰ پرسشنامه (۱۵ پرسشنامه در بین دختران

⁴⁶ Fuchs
⁴⁷ Validity
⁴⁸ Reliability

علل افزایش سن ازدواج دختران ۱۹

مجرد و ۱۵ پرسشنامه در بین زنان متأهل) جهت پیش‌آزمون انتخاب شده و پرسشنامه اولیه تحقیق در میان آن‌ها تکمیل شد. سپس، میزان آلفای کرونباخ مقیاس‌های پرسشنامه محاسبه و بعد از اصلاح پرسشنامه (حذف گویه‌های زائد و اضافه کردن گویه‌های لازم)، پرسشنامه نهایی تحقیق تدوین و در میان نمونه آماری منتخب از جامعه آماری تکمیل شد. نتایج پایایی نشان می‌دهد که در مورد تمامی مقیاس‌ها، مقدار آلفای سایر مقیاس‌ها از مقدار ۰/۷۰ بالاتر است و این نشان‌گر میزان بالای هم‌سازی درونی گویه‌های مربوط به این مقیاس‌ها در جهت سنجش و بررسی آن‌ها می‌باشد. ضمن آن‌که بیش‌ترین مقدار آلفا مربوط به مقیاس اعتقاد به برابری جنسیتی به میزان ۰/۸۱ می‌باشد.

جدول (۲): مشخص‌کننده‌های آماری قابلیت اعتماد و پایایی ابزار اندازه‌گیری

مقیاس	تعداد گویه	میانگین مقیاس	واریانس مقیاس	آلفای کل
اعتقاد به برابری جنسیتی	۸	۲۹/۴۰	۳۰/۷۵	۰/۸۱
اعتقاد به هزینه فرصت	۳	۱۱/۵۷	۷/۵۵	۰/۷۱
نگرش فرامادی به ازدواج	۵	۱۸/۴۰	۱۰/۵۰	۰/۷۳

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

یافته‌های مربوط به بافت نمونه آماری

- بیش‌ترین پاسخ‌گویان این تحقیق به ترتیب مربوط به استان‌های تهران (۴۱/۵ درصد)، خراسان رضوی (۱۸/۳ درصد)، مازندران (۱۵/۷ درصد)، لرستان (۱۲/۶ درصد) و کردستان (۱۱/۹ درصد) بوده‌اند.
- میانگین سنی پاسخ‌گویان مجرد حدود ۲۸ سال و پاسخ‌گویان متأهل حدود ۳۲ سال بوده است.
- ۶۵ درصد مجردها و ۴۷/۵ درصد متأهل‌ها دارای تحصیلات عالی بوده‌اند. میانگین تحصیلات پاسخ‌گویان مجرد ۱۴/۷ سال و متأهل ۱۲/۹ سال بوده است.
- ۷۵/۸ درصد از مجردها و ۷۶/۴ درصد از متأهل‌های کل مناطق بر این باور بوده‌اند که در انتخاب همسر، هم طرفین و هم خانواده‌ها به‌طور مشترک نقش دارند و نقش هیچ‌یک برجسته نمی‌باشد.
- مهم‌ترین دلایل تجرد دختران مجرد به ترتیب عبارت بوده‌اند از: فقدان همسر مورد علاقه و دلخواه (۵۰ درصد)، ادامه تحصیل (۲۱ درصد) و بی‌اعتمادی به جنس مخالف (۱۰ درصد).

جدول (۳): توزیع نسبی پاسخ‌گویان برحسب متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	مقوله‌ها	مجرد	متأهل
استان	تهران	۵۱/۹	۴۸/۱
	مازندران	۴۷/۳	۵۲/۷
	لرستان	۵۲/۱	۴۷/۹
	خراسان رضوی	۴۸/۷	۵۱/۳
	کردستان	۵۱/۶	۴۸/۴
کل		۵۰/۶	۴۹/۴
سن	۲۵ سال	۲۹/۶	۱۱/۵
	۲۶ تا ۲۷ سال	۲۶/۶	۱۶/۴
	۲۸ تا ۳۰ سال	۲۲/۹	۲۰/۴
	۳۱ تا ۳۶ سال	۱۵/۵	۲۴/۳
	۳۷ تا ۴۴ سال	۵/۴	۲۷/۳
میانگین سن		۲۸/۲۷	۳۲/۳۸
تحصیلات	ابتدایی	۱۱/۹	۱۲/۴
	راهنمایی	۲/۳	۵/۸
	متوسطه	۲۰/۴	۳۴/۳
	کاردانی	۱۳/۸	۱۳/۸
	کارشناسی	۴۰/۱	۲۷
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۱۱/۵	۶/۷
میانگین سال‌های تحصیل		۱۴/۷۱	۱۲/۹۵
مراجع تصمیم‌گیری راجع به ازدواج	خانواده‌ها	۲/۵	۳/۹
	خود دو طرف	۲۰/۵	۱۸/۲

علل افزایش سن ازدواج دختران ۲۱

ادامه جدول (۳): توزیع نسبی پاسخ‌گویان برحسب متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	مقوله‌ها	مجرد	متأهل
مهم‌ترین دلایل تجرد پاسخ‌گویان	خانواده‌ها و دو طرف به‌طور مشترک	۷۵/۸	۷۶/۴
	نمی‌دانم	۱/۲	۱/۴
	ادامه تحصیل	۲۰/۹	-
	تغییر نگرش و معیارهای دخترها	۲/۶	-
	فقدان همسر دلخواه و مورد علاقه	۴۹/۶	-
	بی‌اعتمادی به جنس مخالف (پسر)	۱۰/۲	-
	سخت‌گیری خانواده‌ها	۴/۳	-
	عدم تمایل پسرها به ازدواج	۲/۱	-
	مردد بودن در تصمیم‌گیری	۶/۸	-
	سختی تهیه جهیزیه و برگزاری مراسم ازدواج	۰/۴	-
	فقدان درآمد کافی	۱/۵	-
	سایر	۱/۵	-

توجه: متغیر مهم‌ترین دلایل تجرد پاسخ‌گویان یک متغیر شرطی بوده و تنها مربوط به پاسخ‌گویان مجرد می‌باشد.

یافته‌های مربوط به نظرات پاسخ‌گویان

- ۵۷/۶ درصد از مجردها و ۵۸/۹ درصد از متأهل اعتقاد زیادی به برابری زنان و مردان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته‌اند.
- ۲۵/۳ درصد از مجردها و ۱۸/۴ درصد از متأهل‌ها اعتقاد زیادی داشته‌اند که هزینه ازدست‌دادن فرصت ازدواج، بسیار کم‌تر از هزینه ازدست‌دادن سایر فرصت‌ها به‌خصوص تحصیلی و شغلی است.

۲۲ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰

– ۶۲/۶ درصد از مجردها و ۵۲/۴ درصد از متأهل‌ها واجد نگرش فرامادی به ازدواج بوده و ازدواج برای این دسته از افراد، از حالت ارزش مادی خارج و به سمت ارزش فرامادی حرکت کرده است.

جدول (۴): توزیع نسبی پاسخ‌گویان برحسب مقیاس‌های مختلف

م	پاسخ‌ها		گر وه‌ها	مقیاس	ر دیف
	ب ینابین	م وافق			
۱۷	۱۷	۶	م ج	اعتقاد به برابری جنسیتی	۱
۱۶	۲۵	۵۷/	ر د		
۱۱	۲۵	۹	م	اعتقاد به هزینه فرصت	۲
۱۶		۵۸/	ت أهل		
۱۷	۱۴	۳	م ج	اعتقاد به هزینه فرصت	۲
۶۰		۲۵/	ر د		
۱۸	۱۸	۴	م	نگرش فرامادی به ازدواج*	۶
۶۵	۱۵	۱۸/	ت أهل		
۱۹	۱۵	۶	م ج	نگرش فرامادی به ازدواج*	۶
۲۳	۱۳	۶۲/	ر د		
۱۶	۱۳	۴	م	نگرش فرامادی به ازدواج*	۶
۳۴		۵۲/	ت أهل		

* طیف این مقیاس به ترتیب شامل زیاد، متوسط و کم می‌باشد.

یافته‌های تحلیلی

یافته‌های حاصل از آزمون رابطه بین متغیر مستقل و وضعیت تأهل

تنها آزمون رابطه‌ای که در این تحقیق استفاده شده، مربوط به فرضیه‌ای است دال بر رابطه بین نگرش به ازدواج ترتیب داده‌شده/خودانتخابی با وضعیت تأهل. نتیجه آزمون این فرضیه نشان داد که رابطه‌ای بین نگرش به ازدواج ترتیب داده‌شده/خودانتخابی و وضعیت تأهل در هیچ کدام از سطوح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ و ۰/۰۵ وجود ندارد (Cramer's $V=0/05$; $P=0/37$). بدین معنی که دختران مجرد و

علل افزایش سن ازدواج دختران ۲۳

زنان متأهل با نسبت‌های یکسان و برابری اعتقاد داشته‌اند که انتخاب همسر باید به‌طور مشترک هم توسط خانواده‌ها و هم توسط دو طرف انجام گیرد و از این حیث تفاوتی در نظر آن‌ها مشاهده نشده است.

جدول (۵): نتایج حاصل از آزمون رابطه بین متغیر مستقل و متغیر وابسته وضعیت تأهل

متغیرها	مقیاس متغیرها	مقدار آماره کای اسکوئر (X^2)	آماره پیوستگی	درجه آزادی	مقدار پیوستگی	سطح معنی‌داری (P)
نگرش به ازدواج ترتیب داده‌شده/خودانتخابی - وضعیت تأهل	اسمی - اسمی	۳/۱۱	وی کرامر	۲	۰/۰۵	۰/۳۷

یافته‌های حاصل از آزمون تفاوت متغیرها در بین دختران مجرد و متأهل

جدول شماره (۶) نتایج حاصل از آزمون تفاوت میانگین متغیرهای مورد مقایسه (متغیرهای فاصله‌ای و به عبارتی روشن‌تر، شبه‌فاصله‌ای) در بین دو گروه دختران مجرد و زنان متأهل را نشان می‌دهد. با استناد به نتایج این جدول:

- میزان تحصیلات دختران مجرد بیش‌تر از زنان متأهل می‌باشد ($t=۳/۹۰$ ، $P<۰/۰۱$).

- دختران مجرد در مقایسه با زنان متأهل اعتقاد بیش‌تری دارند که ازدواج یک امر فرامادی است و نمی‌توان همانند گذشته با آن برخورد کرد. به‌بیانی، دختران مجرد ازدواج را نه به‌عنوان مرحله‌ای ضروری و بایسته در زندگی، بلکه مرحله‌ای می‌دانند که باید اهمیت و توجه زیادی برای آن قائل شد. تعریف این دختران از ازدواج، تعریفی فرامادی است. درحالی‌که در میان گروه زنان متأهل، کم‌تر شاهد چنین نگرشی راجع به ازدواج هستیم. ازدواج در بین گروه اخیر، ماهیت مادی دارد ($t=۲/۶۶$ ، $P<۰/۰۱$).

- دختران مجرد و زنان متأهل به نسبت‌های یکسانی اعتقاد به برابری زنان و مردان در عرصه‌های مختلف دارند ($t=۰/۳۳$ ، $P=۰/۷۴$).

۲۴ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰

- دختران مجرد اعتقاد بیش تری دارند که با ازدواج کردن و به عبارتی انتخاب فرصت ازدواج، از فرصت‌هایی دور خواهند ماند که هزینه ازدست‌دادن آن‌ها بیش از هزینه‌ای است که متحمل بر انتخاب فرصت ازدواج می‌باشد. چنین اعتقادی در میان زنان متأهل کم‌تر مشاهده شده است ($P < 0/05$ ، $t=2/28$).

جدول (۶): نتایج حاصل از آزمون فرضیه تفاوت مقیاس‌ها در بین دو گروه دختران مجرد و

متأهل

مقیاس‌ها	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	اخلاف میانگین	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری (P)
میزان تحصیلات	دختران مجرد	۵۹۵	۱۴/۰۰	۳/۱۵	۰/۷۵	۳/۹۰	۱۱۹۵	۰/۰۱
	زنان متأهل	۶۰۲	۱۳/۲۵	۳/۴۹				
نگرش فرامادی به ازدواج	دختران مجرد	۶۳۳	۱۱/۹۵	۱/۷۵	۰/۵۸	۲/۶۶	۱۲۴۱	۰/۰۱
	زنان متأهل	۶۱۰	۱۱/۳۷	۱/۶۳				
اعتقاد به برابری جنسیتی	دختران مجرد	۶۵۳	۲۹/۳۸	۵/۴۹	۰/۱۰	-۰/۳۳	۱۲۸۶	۰/۷۴
	زنان متأهل	۶۳۵	۲۹/۴۸	۵/۵۵				
اعتقاد به هزینه فرصت‌های ازدست‌رفته	دختران مجرد	۶۲۶	۶/۸۳	۲/۷۸	۰/۳۱	۲/۲۸	۱۲۴۵	۰/۰۵
	زنان متأهل	۶۲۱	۶/۵۲	۲/۳۶				

یافته‌های حاصل از آزمون تحلیل رگرسیون لجستیک

همان‌طور که اشاره شد، متغیر وابسته این تحقیق، وضعیت تأهل دختران می‌باشد که از دو طبقه متأهل (با کد ۱) و مجرد (با کد ۲) تشکیل شده است. به همین دلیل، جهت پیش‌بینی تغییرات این متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل مورد نظر، به دلیل مقیاس اسمی دومقوله‌ای بودن وضعیت تأهل (متأهل و مجرد)، از تحلیل رگرسیون لجستیک اسمی دووجهی^{۴۹} و روش نسبت درست‌نمایی پیش‌رو^{۵۰} استفاده شده است. در تفسیر نتایج رگرسیون لجستیک، سه آماره اهمیت زیادی دارند: (۱) والد^{۵۱}: نشان‌دهنده معنی‌داری تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته است. (۲) B: جهت تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته را نشان می‌دهد. (۳) Exp

⁴⁹ Binomial logistic regression (BLR)

⁵⁰ Forward: Likelihood Ratio (Forward: LR)

⁵¹ Wald

علل افزایش سن ازدواج دختران ۲۵

(B): که به نسبت بخت‌ها^{۵۲} معروف بوده و میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته را نشان می‌دهد، عبارت می‌باشد از نسبت احتمال وقوع یک پدیده به احتمال عدم وقوع آن. موقعی که نسبت بخت‌ها کوچک‌تر از عدد (۱) باشد، در آن صورت می‌گوییم که با افزایش مقادیر متغیر مستقل، احتمال وقوع پدیده کاهش می‌یابد و بالعکس، موقعی که نسبت بخت‌ها بزرگ‌تر از عدد (۱) باشد، در آن صورت با افزایش مقادیر متغیر مستقل، احتمال وقوع پدیده افزایش می‌یابد (حبیب‌پور گنابی و صفری شالی، ۱۳۸۸: ۷۰۸-۷۰۶ و ۷۳۰-۷۲۹).

در این تحقیق، برای تفسیر نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک مینی بر عوامل مؤثر بر ازدواج دختران، مقدار آماره والد به‌عنوان معنی‌داری تأثیر، مقدار آماره B به‌عنوان جهت تأثیر و مقدار آماره نسبت بخت‌ها به‌عنوان اندازه تأثیر، مبنای قضاوت آماری قرار گرفته‌اند که نتایج حاصله براساس جدول شماره (۷) به شرح زیر قابل بیان می‌باشد:

۱- تحصیلات بیش‌ترین تأثیر را بر تأهل یا مجرد دختران دارد. نسبت بخت‌ها برای این متغیر برابر با ۲/۰۴۵ دلالت بر آن دارد که میزان تحصیلات دختران مجرد تقریباً دو برابر تحصیلات دختران متأهل است. از این رو، با افزایش میزان تحصیلات دختران، احتمال مجرد آنان با نسبت ۲/۰۴۵ افزایش یافته و بالعکس، کاهش میزان تحصیلات دختران، با کاهش ۲/۰۴۵ در احتمال مجرد آنان همراه است.

۲- اعتقادی که دختران نسبت به هزینه ازدست‌رفته فرصت‌ها دارند، به سهم خود در انتخاب تأهل یا مجرد آنان مؤثر است. طبق نتایج، این اعتقاد در دختران مجرد، نزدیک به دو برابر قوی‌تر از زنان متأهل است. بنابراین، هرچه دختران در انتخاب ازدواج بیش‌تر بر این باور باشند که با انتخاب فرصت ازدواج، فرصت‌هایی را از دست خواهند داد که هزینه ازدست‌دادن آن‌ها بیش‌تر از ازدواج است، احتمال مجرد آنان به نسبت ۱/۹۵۲ افزایش یافته و کم‌تر تن به ازدواج می‌دهند. طبیعی است با کاهش میزان اعتقاد آنان به چنین امری، شاهد کاهش میزان مجرد و به‌بیانی افزایش احتمال تأهل دختران به نسبت ۱/۹۵۲ خواهیم بود.

۳- نوع نگرش (مادی/فرامادی) دختران به ازدواج نیز، در انتخاب یا عدم انتخاب ازدواج توسط آنان دخیل است. نتیجه تحقیق نشان داد که نگرش فرامادی به ازدواج، در دختران مجرد بیش از یک برابر زنان متأهل است. بنابراین، هرچه دختران از تلقی مادی‌گرایانه به ازدواج خارج شوند و به آن بیش‌تر به

⁵². Odds ratio (OR)

عنوان مقوله‌ای فرامادی بنگرند، احتمال تجرد آنان به نسبت ۱/۳۲۹ افزایش خواهد یافت. برعکس، تلقی مادی از ازدواج در نزد دختران، با همان احتمال ۱/۳۲۹ در کاهش تجرد و به عبارتی افزایش احتمال انتخاب تأهل در بین آنان مؤثر است.

جدول (۷): نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی عوامل مؤثر بر ازدواج دختران

نام متغیر	B	S. E.	Wald	df	P	EXP (B)
عدد ثابت	۲/۲۳۹	۰/۵۴۲	۱۷/۰۴۴	۱	۰/۰۱	۰/۱۰۷
تحصیلات	۰/۲۷۳	۰/۰۳۱	۲۱/۹۲۸	۱	۰/۰۱	۲/۰۴۵
اعتقاد به هزینه فرصت‌های از دست رفته	۰/۰۸۷	۰/۰۱۸	۸/۰۸۴	۱	۰/۰۱	۱/۹۵۲
نگرش فرامادی به ازدواج	۰/۰۶۴	۰/۰۲۱	۷/۶۱۵	۱	۰/۰۱	۱/۳۲۹

بحث و نتیجه‌گیری

جامعه ایرانی با ورود به حیات اجتماعی ملازم با نظم مدرن، تحولات و دگرگونی‌هایی را از سر گذرانده که چنانچه این تحولات بدون برنامه‌ریزی و پیش‌بینی اتفاق افتند و شرایط جامعه، چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ اجتماعی و فرهنگی، آماده برای پذیرش چنین تحولاتی نباشد، تبعات منفی آن از دستاوردهای مثبتی که خواهد داشت، بیش‌تر است. به نظر می‌رسد در رابطه با افزایش سن ازدواج دختران، شاهد چنین جریان‌هایی باشیم. بدین معنی که تجربه نوسازی و مدرنیته ایرانی، همگام با سایر ممالک اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه، و شرایط خاص حاکم بر چنین تجربه‌ای، موجب بروز پدیده‌ای به اسم افزایش سن ازدواج و در ادامه تجرد قطعی شده است. تأثیر تجربه مدرنیته ایرانی بر افزایش سن ازدواج دختران در سه سطح اتفاق می‌افتد:

سطح اول) سطح کلان جامعه: یعنی هرچه جامعه از حالت سنتی خارج شده و به موقعیت مدرن نزدیک‌تر شود، میزان افزایش سن ازدواج در آن بیش‌تر خواهد بود. بنا به تز محوری این تحقیق، علت‌العلل افزایش سن ازدواج دختران، تجربه مدرنیته و نوسازی جامعه ایرانی است. بنیادهای نظری متعدد، از تأثیر نوسازی و شاخصه‌های آن بر افزایش سن ازدواج دختران سخن گفته و به تنظیم

علل افزایش سن ازدواج دختران ۲۷

گزاره‌هایی در این خصوص پرداختند. ویلیام گود، از جمله مهم‌ترین این افراد، معتقد است که نوسازی از طریق گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییرات در نیروی کار و نقش‌های شغلی مدرن و شهرنشینی، باعث افزایش سن ازدواج می‌شود. در سوی دیگر پایه معرفتی این فرضیه، انگلند، فاکاس و اوپنهایمر نیز در نظریه نوسازی خود اشاره می‌کنند که صنعتی‌شدن و شهرنشینی فرصت‌های اقتصادی جدیدی فراهم خواهند کرد که این فرصت‌ها به نوبه خود جایگزین جذابی برای ازدواج خواهند بود. ضمن آن که نوسازی با ایجاد انتظاراتی برای استاندارد زندگی کافی برای بعد از ازدواج، باعث تأخیر ازدواج می‌شود.

نتایجی که در مطالعه یافت شد، نشان از سهم بالای تجربه نوسازی و گذار ایران از نظم سنتی به نظم مدرن در تبیین افزایش سن ازدواج دختران دارد. تأثیر توسعه اقتصادی و اجتماعی و تجربه مدرنیته بر افزایش سن ازدواج دختران در تحقیقات داخلی، بهنام (۱۳۴۸)، کاری (۱۳۸۲) و محمودیان (۱۳۸۳) و تحقیق خارجی زنوس و سوکورو (۱۹۹۲) یافت شده است. البته این نکته را نباید ندیده گرفت که تأثیر تجربه نوگرایی و مدرنیته (با شاخص‌های موردالاشاره) بر افزایش سن ازدواج دختران، پدیده‌ای است فراگیر و ذاتی این گذار که جملگی جوامع درحال تجربه فرآیند توسعه را دربرمی‌گیرد.

سطح دوم) سطح میانی جامعه: تحولات میانی جامعه نیز به نوبه خود موجب افزایش سن ازدواج دختران ایرانی شده است. تأثیرات ناشی از تجربه مدرنیته ایرانی بر سطح میانی جامعه که در نهایت افزایش سن ازدواج در دختران را موجب شده، همان‌طور که کالول (۲۰۰۵) پیش‌تر دریافته بود، در مناطق گوناگونی که گستره و عمق متفاوتی از مدرنیته را تجربه می‌کنند، متفاوت می‌باشد. کالول معتقد است که الگوهای ازدواج در هر جامعه، بازتاب بافت فرهنگی و تغییرات اقتصادی و اجتماعی آن جامعه می‌باشد. هرچه میزان این تغییرات سریع‌تر و از عمق بیش‌تری برخوردار باشد، تأخیر ازدواج بیش‌تر است. هم‌چنان که براساس نتیجه تحقیق وی، در منطقه آسیای جنوبی به دلیل تغییر کم‌تر در شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، کم‌تر شاهد تغییر الگوی ازدواج هستیم، امری که در مناطق آسیای شرقی و جنوب شرقی خلاف آن (افزایش سن ازدواج) مشاهده است.

ساختار ناپهنجار و آشفته اقتصادی و اجتماعی جامعه نیز، عامل دیگری است که به سهم خود در افزایش سن ازدواج دختران در جامعه موثر افتاده است. در ادبیات نظری مرتبط، افرادی همچون مین، به فرموله‌بندی تأثیر آشفته‌گی‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه بر افزایش سن ازدواج پرداخته‌اند. براساس نتایج تحقیق حاضر، آشفته‌گی‌های اقتصادی در جامعه درحال‌گذار ایرانی که هم‌چنان در برزخ سنت و

مدرن آشیانه گزیده، تأثیر بس منفی بر ازدواج (و به عبارتی، تأثیر مثبت بر تأخیر ازدواج) دختران دارد. نتایج نشان داد که هرچه میزان این آشفستگی در جامعه بیش تر باشد، تأخیر ازدواج در بین دختران بیش تر است. چراکه آشفستگی اقتصادی موجب کاهش قطعیت‌های اقتصادی و اجتماعی، انومی اقتصادی و اجتماعی، ناامیدی اجتماعی، تغییر معیارها، خواسته‌ها و انتظارات خانواده‌ها و دختران و پیامدهای دیگری شده که به نوبه خود در فشرده‌سازی دایره همسرگزینی و تأخیر ازدواج دختران تأثیرگذارند. هامپلوا (۲۰۰۳) شدت تأثیر شرایط بد اقتصادی بر زمان‌بندی ازدواج دختران را زمانی بیش تر می‌داند که در چنین شرایطی، هنجارهای فرهنگی در ارتباط با هزینه‌های ازدواج و استاندارد زندگی تغییر نکرده و با آن هماهنگ نشود. از این رو، در نتیجه چنین تأخیری، هزینه ازدواج (با فرض درآمد واقعی مشخص) در نزد دختران، گران‌تر از عدم ازدواج فرض شده و در نتیجه شاهد تأخیر ازدواج در بین آنان هستیم. عباسی و همکاران (۲۰۰۲) در تحقیق خود در ایران دریافتند که افزایش هزینه‌های زندگی و شرایط بد اقتصادی در دوره بعد از انقلاب به‌خصوص در فاصله سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۶ موجب شده تا نرخ ازدواج در این دوره سیر نزولی داشته باشد. همچنین، بهنام (۱۳۴۸)، میری و همکاران (۱۳۷۴)، سیدفاطمی (۱۳۷۶)، یعقوبی چوبری (۱۳۷۸)، ربانی و سارانی (۱۳۸۰) در تحقیقات خود به چنین تأثیری پی بردند. در منابع خارجی نیز، نتیجه تحقیقات کانستنس شل، و پالونی و همکاران (۱۹۹۶)، هامپلوا (۲۰۰۳)، راکوم نایکیت (۲۰۰۳) دلالت بر نتایج مشابهی دارد.

از سوی دیگر، آشفستگی‌های اجتماعی در سطح جامعه مانند طلاق و مشاهده آن از طرف دختران مجرد، بر تأمل و تأخیر بیش تر آن‌ها در امر ازدواج تأثیر نهاده و موجبات احتیاط و محافظه‌کاری هرچه بیش تر آنان را فراهم می‌سازد. در میان مطالعات خارجی، نتیجه تحقیق گارینو (۱۹۹۹) مبنی بر تأثیر افزایش طلاق در جامعه بر افزایش سن ازدواج دختران، با نتیجه تحقیق حاضر مشابه بوده است.

سطح سوم) در سطح فردی نیز، شاهد تحولاتی در خود دختران هستیم، تحولاتی که نتیجه گذار جامعه ایرانی از نظم اجتماعی سنتی به مدرن می‌باشد. نتایج نشان داد که دختران مجرد به دلیل برخورداری از تحصیلات، استقلال اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، آزادی انتخاب و عمل، فاصله‌گیری از نظارت والدین و اطرافیان (که تماماً به‌طور متقابل با یکدیگر ارتباط دارند)، از نوگرایی بیش تری برخوردارند. از این رو، طبیعی است که این نوگرایی دختران، انتظارات آنان از ازدواج را تغییر داده و تعریف متفاوتی از ازدواج به آنان به‌دست می‌دهد که به دنبال خود موجب تأخیر و دیررسی ازدواج در بین آنان خواهد شد. تغییر انتظارات از

علل افزایش سن ازدواج دختران ۲۹

ازدواج، نتیجه‌ای است که در تحقیقات بهنام (۱۳۴۸)، حیدری زهراپور (۱۳۷۲)، سیدفاطمی (۱۳۷۶) و ربانی و سارانی (۱۳۸۰) نیز مشاهده شده است.

انگلند، فارکاس و اوپنهاایمر در نظریه مشهور خود به نام سرمایه انسانی، به فرموله‌بندی تأثیر تحصیلات بر دیررسی و دیرکرد پذیرش ازدواج از سوی دختران پرداختند. آن‌ها در این نظریه، اذعان داشته‌اند که با ظهور پیامدهای مدرنیته مانند گسترش صنعتی‌شدن و شهرنشینی و خصوصاً تحصیلات دختران، باید شاهد افزایش سن ازدواج دختران در کشورهایی باشیم که این قبیل شاخصه‌ها را تجربه می‌کنند. به‌زعم این افراد، عامل اصلی بالارفتن سن ازدواج دختران، سرمایه انسانی و به معنی واقعی کلمه، تحصیلات است. در تحقیق حاضر نیز شاهد تأثیر معنی‌دار افزایش تحصیلات دختران مجرد بر مجرد و عدم ازدواج آنان بودیم. در توضیح دلایل تأخیر ازدواج در بین دختران، مک دونالد و هیول به عامل آزادی و نقش تحصیلات در فراهم کردن شرایط این آزادی معتقد بوده و اذعان می‌دارند که افزایش تحصیلات دختران باعث استقلال فکری و آزادی هرچه بیشتر آن‌ها از اطرافیان به‌خصوص والدین شده و در نتیجه کسب چنین آزادی، و به‌عبارتی حرکت از ازدواج ترتیب‌داده‌شده به ازدواج خودانتخابی، ازدواج را براساس معیارهای شخصی تعریف کرده و آن را به تأخیر می‌اندازند. حتی در نتیجه چنین جریانی، به اعتقاد منش (۲۰۰۵) والدین دخترانی که از تحصیلات بالاتر برخوردارند نیز ممکن است به یک نوع عقلانیت قوی برسند مبنی بر این که تعویق ازدواج برای دختر آن‌ها، به‌خاطر افزایش پتانسیل کسب درآمد، امری عقلانی است. البته این تأثیر تحصیلات بر تأخیر ازدواج در کوتاه‌مدت بوده و طبیعتاً علی‌رغم وجود چنین ارتباطی، در بلندمدت این رابطه همواره برقرار نیست.

نظریه سرمایه انسانی مبنی بر تأثیر تحصیلات دختران بر تأخیر ازدواج در بین آنان، در اکثریت قریب به اتفاق مطالعات اعم از داخلی و خارجی مورد تأیید قرار گرفته است. به‌طوری‌که در میان مطالعات داخلی، بهنام (۱۳۴۸)، مرکز پژوهش‌های بنیادی (۱۳۷۲)، استانداری یزد (۱۳۷۵)، سیدفاطمی (۱۳۷۶)، تهرانی (۱۳۷۹)، ربانی و سارانی (۱۳۸۰)، کاری (۱۳۸۲)، محمودیان (۱۳۸۳) و نیک‌منش و کاظمی (۱۳۸۳) و در میان مطالعات خارجی، افرادی مانند ترنر (۱۹۹۰)، پرستون، گود، برودرل (۱۹۹۷)، ونگ (۲۰۰۳)، منش (۲۰۰۵)، راونرا و راجالتون (۲۰۰۵) و یابیکو (۲۰۰۵) به نتایج مشابهی در این خصوص دست یازیدند.

همچنین، تغییر نگرش دختران نسبت به ازدواج، دلیل دیگری بر تأخیر ازدواج در بین آنان می‌باشد. این تحقیق دریافت که در حیات مدرن، در نتیجه تجربه مدرنیته اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسط جامعه ایرانی و خاصه دختران، آن‌ها تعریف خود از ازدواج را تغییر داده‌اند. این تغییر تعریف از ازدواج، بار ارزشی آن را نیز از امری مادی به امری فرامادی تغییر داده است. اینگلهارت در توضیح چنین وضعی، از تضعیف ارزش‌های مادی و در مقابل گسترش ارزش‌های فرامادی در جامعه، در نتیجه توسعه اقتصادی بلندمدت، یاد می‌کند و معتقد است این تغییر باعث تأخیر ازدواج می‌شود. تحت چنین شرایطی، کارکرد امنیتی خانواده در قلمرو ارزش‌های مادی قرار گرفته و در جامعه مدرن رو به زوال می‌نهد (به تعبیری، بار معنایی سابق را از دست می‌دهد) و گزینه‌های بدیلی مانند هم‌خانگی (یا دوستی‌ها به شکل‌های رفاقت، علمی و...) جای آن را می‌گیرند. از این رو، شاهد عدم گرایش دختران امروزی به تشکیل خانواده و ازدواج هستیم. مرکز پژوهش‌های بنیادی (۱۳۷۲) در تحقیق خود دریافت که با توجه به تحولات صورت گرفته در کشور در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نگرش دختران با نگرش سابق متفاوت می‌باشد. در میان مطالعات خارجی نیز، زنوس و سوکورو (۱۹۸۲) دریافتند که در نتیجه توسعه سریع اقتصادی، دختران برداشته‌های جدید و متفاوتی از ازدواج دارند و در ادامه چنین وضعی، شاهد تأخیر ازدواج در بین آنان خواهیم بود. براساس نظریه گذار جمعیتی دوم نیز، تضعیف کنترل هنجاری، افزایش استقلال اقتصادی و سکولاریزاسیون در بین دختران، سلايق آنان را به سمت فردگرایی، آزادی و استقلال تغییر داده و در نتیجه باعث تأخیر ازدواج می‌شود.

و در نهایت این‌که، براساس تحلیل‌های اقتصادی، در دنیای امروزی، امور، ماهیت شی‌زدگی و مبادله‌ای پیدا کرده و کنش‌گران در این مبادله، با تحلیل هزینه - فایده، سعی دارند با کمینه‌سازی هزینه‌ها، حداکثر فایده را از امر مورد مبادله ببرند. به تعبیر بکر، افراد زمانی تن به ازدواج می‌دهند که منافع محاسبه شده (صرفه‌های مقیاس و تخصصی شدن نیروی کار) از ازدواج از هزینه‌های محاسبه شده (هزینه‌های مالی و کسب حداقل استانداردهای زندگی) آن بیش‌تر باشد. بنابراین، دخترانی که دچار تأخیر ازدواج می‌شوند، کسانی هستند که معتقدند هزینه‌های ازدواج بیش از فایده‌های آن است. نتیجه تحقیق حاضر نیز نشان داد که دختران بر این باورند ازدواج موجب می‌شود تا آن‌ها از برخی فرصت‌های دیگر به‌خصوص پیشرفت در کار و شغل خود جا بمانند و هزینه این فرصت‌ها بیش از آن هزینه‌ای است که فرد باید با ازدواج نکردن از دست

علل افزایش سن ازدواج دختران ۳۱

بدهد. افزون بر این، این نگرش به افزایش هزینه‌های فرصت در میان دخترانی که تحصیلات بالاتری دارند، بیش‌تر وجود دارد، چراکه ارزش فرصت‌های ازدست‌رفته برای آن‌ها بالاتر است. لوگران و زیسیموپولوس (۲۰۰۴) در تحقیق خود دریافته بودند که ممانعت ازدواج از توسعه‌ی شغلی فرد، موجب تأخیر ازدواج در بین دختران شده است.

منابع

- آبرخت، فاطمه (۱۳۸۴) «بررسی دلایل افزایش سن ازدواج دختران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- آستین‌فشان، پروانه (۱۳۸۰) «بررسی روند تحولات سن ازدواج زنان و عوامل اجتماعی- جمعیتی مؤثر بر آن طی سال‌های ۷۵-۱۳۵۵»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- استانداری یزد (۱۳۷۵) بررسی سن ازدواج بانوان شهر یزد، حوزه سیاسی - امنیتی، شورای اجتماعی استانداری، وزارت کشور.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، چ دوم، تهران: کویر.
- حبیب‌پور گتایی، کرم و رضا صفوری شالی (۱۳۸۸) راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی، تهران: لویه.
- صیفوری طغراجردی، بتول (۱۳۸۲) «بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر سن اولین ازدواج: مطالعه موردی زنان متأهل ۴۹-۱۵ ساله روستاهای شهرستان زابل در استان سیستان و بلوچستان ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شیراز.
- کاری، فیروزه (۱۳۸۲) «تأثیر تحصیلات و اشتغال زنان بر تأخیر در سن ازدواج در تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۳) «سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴، ۸۵-۶۹.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- مرکز پژوهش‌های بنیادی (۱۳۷۲) عوامل مؤثر بر سن ازدواج، معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- یعقوبی چوبری، علی (۱۳۷۸) «بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در بالا رفتن سن ازدواج جوانان شهر رشت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

Becker, G.S. (1996) "A Treatise on the Family, Cambridge, Massachusetts", London: Harvard University Press, in: Hamplova, Dana (2003) Marriage and Educational Attainment: A Dynamic Approach to First Union Formation. Institute

of Sociology, Academy of Sciences of the Czech Republic, Prague. Sociologický časopis/Czech Sociological Review, 2003, Vol. 39, No. 6: 841-863.

Blossfeld, H.-P, & Hamerle, A. (1992) "Unobserved heterogeneity in event history models, Quality and Quantity", 26, 157-168. in: Nobles, Jenna and Buttenheim, Alison (2006) Marriage in Periods of Crisis: Evidence from Indonesia, California Center for Population Research, On-Line Working Paper Series, October.

Brüderl, Josef (1997) Education and Marriage: A Comparative Study, Institute of Sociology, Munich Andreas Diekmann, Institute of Sociology, Berne, May.

Caldwell, Bruce K. (2005) "Factors affecting female age at marriage in South Asia: Contrasts between Sri Lanka and Bangladesh", Asian Population Studies, Routledge, part of the Taylor & Francis Group, Volume 1, Number 3, November, pp. 283-301.

Caldwell, Bruce K. (2005) Factors affecting female age at marriage in South Asia, Australian National University, Canberra.

Coleman, J.S. and T.J. Fararo (1992) "Rational Choice Theory, Advocacy and Critique", London: Sage Publication, in: Hamplova, Dana (2003) Marriage and Educational Attainment: A Dynamic Approach to First Union Formation, Institute of Sociology, Academy of Sciences of the Czech Republic, Prague, Sociologický časopis/Czech Sociological Review, 2003, Vol. 39, No. 6: 841-863.

Coontz, Stephanie (2006) Marriage as social contract, <http://www.philly.com>, Oct. 22.

Dixon, R. (1971) "Explaining cross-cultural variations in age at marriage and proportions never marrying", Population Studies, 25, 215-233, in: Nobles, Jenna and Buttenheim, Alison (2006) Marriage in Periods of Crisis: Evidence from Indonesia, California Center for Population Research, On-Line Working Paper Series, October.

England, P., & Farkas, G. (1986) "Households, employment, and gender", Hawthorne, NY: Aldine de Gruyter, in: Nobles, Jenna and Buttenheim, Alison (2006) Marriage in Periods of Crisis: Evidence from Indonesia, California Center for Population Research, On-Line Working Paper Series, October.

Friedman, D., M. Hechter and S. Kanazawa (1994) "A Theory of the Value of Children", Demography vol. 31 (3, 375-401, in: Hamplova, Dana (2003) Marriage and Educational Attainment: A Dynamic Approach to First Union Formation, Institute of Sociology, Academy of Sciences of the Czech Republic, Prague, Sociologický časopis/Czech Sociological Review, 2003, Vol. 39, No. 6: 841-863.

علل افزایش سن ازدواج دختران ۳۳

Fuchs, Victor R. (1994) "Gary S. Becker: Ideas about facts", The Journal of Economic Perspectives, Vol. 18, No. 2.

Grossbard-Shechtman, Shoshana A. (2003) Marriage and the Economy: Theory and Evidence from Advanced Industrial Societies, Cambridge University Press.

Hamplova, Dana (2003) "Marriage and Educational Attainment: A Dynamic Approach to First Union Formation", Institute of Sociology, Academy of Sciences of the Czech Republic, Prague, Sociologický časopis/Czech Sociological Review, 2003, Vol. 39, No. 6: 841-863.

Hill, K. and et al. (1993) Demographic effects of economic reversals in sub-Saharan Africa, Washington, DC: National Research Council - National Academy Press, in: Nobles, Jenna and Buttenheim, Alison (2006, Marriage in Periods of Crisis: Evidence from Indonesia, California Center for Population Research, On-Line Working Paper Series, October.

Inglehart, R. (1990) "Culture Shift in Advanced Industrial Society", Princeton: Princeton University Press, in: Hamplova, Dana (2003) Marriage and Educational Attainment: A Dynamic Approach to First Union Formation, Institute of Sociology, Academy of Sciences of the Czech Republic, Prague, Sociologický časopis/Czech Sociological Review, 2003, Vol. 39, No. 6: 841-863.

Landale, N. S., & Tolnay, S. E. (1991) Group differences in economic opportunity and the timing of marriage: Blacks and whites in the rural south, 1910, American Sociological

Loughran, David S. and Zissimopoulos, Julie M. (2004) Are There Gains to Delaying Marriage? The Effect of Age at First Marriage on Career Development and Wages, RAND Labor and Population working paper series, November 8.

Matouschek, Niko and Rasul, Imran (2006) The economics of the marriage contract: theories and evidence, October.

Mensch, Barbara S. And et al. (2005) Trends in the Timing of First Marriage Among Men and Women in the Developing World, The Population Council, Inc, New York.

Minh, Nguyen Huu (1997) "Age at First Marriage in Viet Nam: Patterns and Determinants", Asia-Pacific Population Journal, Vol. 12, No. 2, June.

Mitra, P. (2004) "Effect of socio-economic characteristics on age at marriage and total fertility in Nepal", Journal of Health and Population, No. 221, PP. 84-96, in:

Nobles, Jenna and Buttenheim, Alison (2006) Marriage in Periods of Crisis: Evidence from Indonesia, California Center for Population Research, On-Line Working Paper Series, October.

Oppenheimer, V. K. (1988) "A theory of marriage timing", American Journal of Sociology, 94, 563-591. in: Nobles, Jenna and Buttenheim, Alison (2006)

Marriage in Periods of Crisis: Evidence from Indonesia. California Center for Population Research, On-Line Working Paper Series, October.

Peng, Tey Nai (2006) Trends and Correlates of Delayed Marriage in Malaysia and Implications for Development, International Conference on Population and Development in Asia: Critical Issues for a Sustainable Future, 20 – 22 March, Phuket, Thailand.

Ravanera, Zenaída R. and Rajulton, Fernando (2005) "Changes in Economic Status and Timing of Marriage of Young Canadians", Population Studies Centre, University of Western Ontario Review, 56, 33-45, in: Nobles, Jenna and Bутtenheim, Alison (2006) Marriage in Periods of Crisis: Evidence from Indonesia, California Center for Population Research, On-Line Working Paper Series, October.

Rosina, Alessandro and Fraboni, Romina (2004) "Is marriage losing its centrality in Italy?", Demographic Research, Volume 11, Article 6, Pages 149-172, 14 September, <http://www.demographic-research.org/Volumes/Vol11/6/>.

Willekens, F.J. (1989) "Understanding the Interdependence between Parallel Careers", PP. 11-31, in: Female Labour Market Behaviour and Fertility. edited by J.J. Siegers, J. Jong-Gierveld, and E. van Imhoff. Heidelberg: Springer-Verlag, in: Hamplova, Dana (2003) "Marriage and Educational Attainment: A Dynamic Approach to First Union Formation", Institute of Sociology, Academy of Sciences of the Czech Republic, Prague, Sociologický časopis/Czech Sociological Review, 2003, Vol. 39, No. 6: 841-863.

Wong, Odalia M. H. (2005) The Socioeconomic Determinants of the Age at First Marriage among Women in Hong Kong, Journal of Family and Economic Issues, Department of Sociology, Hong Kong Baptist University, Kowloon Tong, Hong Kong, Springer Netherlands.